

امپریالیسم امریکایی
برای ادامه و گسترش جنگ ایران و عراق تلاش می کند!

خاورمیانه در دو هفته گذشته کانون سفرها و دیدارهای بی‌آلود نیروهای شبه جهانی اربحاع سرگردگی امپریالیسم امریکا بود. مضمون و محتوای اصلی این دیدارها، آن چیز است که در گفتگوی الکساندر هگ، وزیر امور خارجه امریکا با اوجراله ورسر دفاع رژیم صر عنوان شد. در این ملاقات گفته شد:

"موقعیت جنگ ایران و عراق بسیار بحرانی شده است و ایالات متحده باید برای بازگرداندن موازنه در منطقه خلیج (فارس) کاری انجام دهد!"

پس از این ملاقات بود که روزنامه صغیری الاهرام، صحاحسه هگ، وزیر امور خارجه امریکا را به جانب رساند. هگ در این صحاحسه اعلام کرد:

"امریکا در برابر هرگونه تغییر اساسی در موازنه قدرت در منطقه خلیج فارس که ناشی از جنگ عراق و ایران باشد بی تفاوت نخواهد بود."

چندی بعد، سهام اندکی هم که در سهام هگ بود، بسا صحاحسه ساتور هری حکسون با تلویزیون سی.سی.اس. بر طرف گردید و محتوای تحرکات تازه نیروهای اربحاع در منطقه از روشنی باز هم بیشتری برخوردار شد. معلوم شد:

"بزرگترین وحشت از احتمال ورود نظامی ایران به خلیج فارس، (بحران وحشت از اتاعه آماج‌های ضد امپریالیسمی و مردمی انقلاب ایران در خلیج فارس) نابود ساختن میدانهای نفتی در کویت، ابوظبی، امارات متحده عربی و عربستان سعودی است. زیرا آن کشورها از عراق حمایت کرده‌اند."
حکسون افزود:

"ما باید نیروهای لازمی را که بتوانند چنین حرکتی را بازدارند داشته باشیم و باید برای ایران روشن کرد که ما به هر تلاشی برای قطع جریان نفت به امریکا با متحدین غربی مان پاسخ خواهیم داد."

مادر نخستین شماره بولتن - ۱۲۶۱/۱/۱۵ - در تعمیری بر پرووری‌های بزرگ عملیات فتح نهم:

"آنچه را که ما شاید از خاطر بفریم آنست که شکست صدام در جنگ محتملی، قبل از هرچیز شکست امریکاست و امریکا با تمام نیرو خواهان مصاف و مسخ جمهوری اسلامی ایران و شکست انقلاب ما و حشش دموکراسیک و استقلال طلبانه مردم عراق است."

پرووری‌های ایران در خنشی ساختن بوطنه‌های امریکا از جمله در جنگ محتملی، نسبت هرچه بیشتر جمهوری اسلامی ایران را در برنورد. این پرووری‌ها ساختن قوارابه سودنیروهای مسلح ما بیشتر داده و در مصیبت‌ها هم بیشتر ساختن قوابه سودنیروهای ضد امپریالیسمی در منطقه مسلطاً بوشر است. این پرووری‌ها، چنانچه جمهوری اسلامی مواضع عادلانه و برفیخواهانه خود را حفظ کرده و بوسه‌بین برنوشت مردم عراق بوسط خود آنان و سروهای سیاسی ناپهیده آیان همچون امروز ناکبند ورود، آماج‌های ضد امپریالیسمی، ضد صهیویسمی و مردمی انقلاب ایران را اتاعه می‌دهد و به بیان دیگر، مسا بواجبندی حشش‌های استقلال طلبانه خلقهای منطقه است."

در برابر این واقعت که کلوی امپریالیسم جهانی و نه ورسره امریکای حششکار را در حیاتی‌ترین منطقه اسرائیلک بهت نفوذش می‌فشارد، واکنش امریکا و اربحاع منطقه بسا تک چیز می‌تواند باشد: تلاش گسردهمر برای مسخ و نابودی انقلاب ایران. امپریالیسم امریکا به تلاش‌های خود برای برانگیختن رژیم‌های اربحاعی منطقه در جهت حمایت فعال از رژیم صدام خواهد افزود.

به این ترتیب بکار دیگر جریان زندگی، درستی تحلیل‌های ما

راه اشاعت برساند، باز دیگر اشاعت می شود که تا انقلاب شکوهمندان در رانای ضدامپریالیستی و مردمی خود در پیش و تعمیق است. امپریالیسم آمریکا هر لحظه دست درگاز در هم نکشست است. واقعات اکنون بدون کوچکترین آسیبی نشان می دهد که امپریالیسم آمریکا، تمام نیروهای خود را بکار می گیرد تا جنگ ایران و عراق ادامه و گسترش یابد. زیرا آمریکا با تخطی و نگاه داشتن آتش این جنگ تجاوزکارانه از یکسو رژیم صدام را که با کام های بلندی از هدفهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی مردم عراق فاصله گرفت و می گیرد، یعنی از پیش به ارتجاع عرب پیوند می دهد و از سوی دیگر نیروهای انسانی و اقتصادی سیاسی را که می یابند در راه ناسیم استقلال و سازندگی انقلابی در دو کشور، یوزده در سپین انقلابی ما صرف گردد تحلیل می رود.

جناحیبه امنیت کشورهای خلیج فارس مورد تهدید قرار گیرد. در جنگ خواهد نشست!

مارک اعلام کرده است: "ما نمی توانیم قبول کنیم که امنیت هیچ کشور عربی در خلیج فارس خطرات آید، زیرا ما شدیداً در برابر این خطرات و تهدیدها که حقوق ملت های برادر ما را برهم خواهد زد ایستادگی خواهیم کرد."

سنان مارک نخستین کام هائی است که برای اجرای نقشه امپریالیست داشته می شود. نقشه ای که یکی از مقامات بلند پایه وزارت امور خارجه آمریکا، در مصاحبه با خبرنگار روزنامه کریستین ساینس مانیتور آنرا آشکار ساخته است. این مقام در مصاحبه یاد شده اعلام کرد:

"آنها (مقامات وزارت امور خارجه آمریکا) احساس می کنند که ایران نقطه ای برای اصلاح روابط بین کشورهای عرب و مصر می باشد."

روزنامه سعودی الشرق الاوسط نیز در این زمینه تأکید کرده است که: "تهدید جنگ ایران و عراق ممکن است مصر را وادار کند که برای حفظ امنیت کشورهای خلیج (فارس) مستقیماً مداخله کند." تلاش آمریکا برای محال کردن رژیم مصر در جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام در چهارچوب فتره تر ساختن ارتجاع منطقه هدفهای حیثی را تعقیب می کند.

نخستین هدف اینست که رژیم مصر، از انزوای ناشی از ساری حاشانه رژیم صهیونیستی اسرائیل سرون آید. هدف از نزدیک ساختن رژیم امریکائی مصر که سبب خیانت به آرمان فلسطینی و بازی با امپریالیسم و صهیونیسم است به باصلاح اتحادیه عرب، همچنانکه در سایه مشترک ایران دو کشور عضو جنبه پایداری، حوره و لیبی نیز حاضر نشان شده است. "عربی ساختن قراردادهای کتب دیوید است."

این بخش از نقشه آمریکا، ادامه تشبیهاتی است که با اجرای قرارداد کب دیوید برای سرکوب انقلاب فلسطینی و تحت فشار قرار دادن کشورهای عضو جنبه پایداری مذاکره می شود.

نومین هدف که ادامه خطی هدف اول است "عربی کردن جنگ ایران و عراق است. این نمب از نقشه آمریکا به امضای نسه نقشه لریگائی و سیاسی کردن جنگ و بنام "است که همه آرمان مطلم، او برآورد و بر دفاع مصر در مصاحبه با هفته نامه "مایو کمناست" تشکیل یک نیروی مشترک عربی برای دفاع از جامه های پخت در برابر خطر تیزی ضروری است."

روبر دفاع مصر با صراحت اعلام کرده است: "تلاشهای موزن دیار این ارتش را آمریکا نامی می کند."

روزنامه سعودی الشرق الاوسط نیز در مصاحبه با روزنامه کریستین ساینس مانیتور آنرا آشکار کرده است: "تلاشهای موزن دیار این ارتش را آمریکا نامی می کند."

مناقشه حامی ملی ایران برای کنترل بخش عرب خلیج (فارس) است که با مدرین آغاز می شود و به همه کشورهای منطقه حساس می گردد.

الته امپریالیسم آمریکا از زمانی پیش در این زمینه دست به اقدام زده بود. قراردادهای نظامی و امنیتی که چندی پیش میان رژیم های ارتجاعی منطقه منعقد شد و بویژه تشکیل اتحادیه نظامی موسوم به "شورای همکاری های خلیج" که اجلاس اخیر آن به منظور گسترش دامنه جنگ عراق علیه ایران با نکتت رهبری شد، از این شمار است.

امپریالیسم آمریکا برای فتره تر ساختن ارتجاع منطقه، با تکیه بر ناسیونالیسم ارتجاعی و قومیت عربی تبلیغات دامنه داری را در زمینه خطر موهوم تجاوز ایران به سرزمینهای عربی سازمان داده است. این تبلیغات برای بردهوشی اقدامات تجاوزکارانه امپریالیسم و صهیونیسم و ضربه ساختن ادعاهای توده های عرب از دشمنی با رژیم صهیونیستی اسرائیل و برانگیختن آنها علیه رژیم انقلابی ایران صورت می گیرد.

امریکائی حناگ "اسدور است که ایران در ادامه جنگ به "معاویه بغداد" و "مک کبلا" تنویق و ترفیب شود. امریکائی روی این گرایش خطرناک، که اینجا و آنجا از سوی محافل معینی دامن زده می شود حساب باز کرده است و این در حالیکه مسئولترین مقامات جمهوری اسلامی ایران بارها نجات صلح حیوانه خود را اعلام داشته و "منطق تجاوز را" "منطق طاغوت" و "بگانه با منطق اسلام انقلابی اعلام کرده اند. اسام خصمی که بارها این ترفند امریکائی را افشا و نست به آن هشدار داده است، در دیدار اخیر با اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی (صبح یکشنبه ۲۶ اردیبهشت) طس سخنانی تأکید کردند:

"دولت و ملت ایران از اول هم اعلام کر که ما هیچ نظری به زمین های دیگران نداریم."

(کجهان دوشه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱)

نخست وزیر نیز در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی عصر یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه خاطر نشان ساخت:

"ما قصد داریم آن چیزی که دفاع برای ما محسوب می شود انجام بدهیم از نظر شرعی و اسلامی نیز این مساله قابل قبول است. ما بارها اعلام کرده ایم که قصد طبع به وجهی از خاک عراق نداریم، حتی به کشورهای دیگری هم نداریم."

در اعلامیه وزارت خارجه میهنان نیز که بنیاست اجلاس اخیر "شورای همکاری های خلیج" در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه، انتشار یافت، موضوع حق طلبانه جمهوری اسلامی ایران، بشرح زیر مورد تأکید قرار گرفته است:

"دولت جمهوری اسلامی ایران همانگونه که بارها اعلام کرده و در مسائل های خابندگان خود با رهبران برخی از کشورهای دوست در شورای همکاری خلیج فارس نیز تأکید کرده است حق هرگونه نصب گیری در کشورهای منطقه را از آن ملت ها می داند و بر این اساس هرگونه مداخله در امور این کشورها را مسرود می شمارد."

"حاکمیت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی ایران به هرکام حق گزافانه هرچند کوچک از سوی هر یک از کشورهای منطقه در جهت ظاهم با جمهوری اسلامی ایران به منظور استقرار ثبات و امنیت و سازنده عملی با امپریالیسم و صهیونیست ارج نهاده و آنرا در روابط آتی خود با این دولتها به حساب می آورند."

همانگونه که در قبایل هرگونه حرکت خلاف فاطمانه عکس العمل نشان خواهند داد."

منطق امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا، منطق تجاوز، جنگ، فارت و جهاول است. تلاش آمریکا و رژیم های ارتجاعی منطقه برای تفریب و تشویق رژیم صدام به ادامه و گسترش جنگ، ما را در دفاع از سپین انقلابی و درهم نکشش تجاوز امریکائی رژیم صدام مصمم تر می سازد. اینجه اشاعت می کند که دمع تجاوز همچنان مساله اصلی انقلاب ما است.

اتحاد با کشورها و نیروهای مترقی و انقلابی منطقه و با جنبه جهانی ضدامپریالیستی و اتحاد وسیع نیروهای انقلابی در کشورمان مهم ترین و اساسی ترین پاسخی است که باید به اتحاد نیروهای ارتجاعی سرکردگی امپریالیسم آمریکا داده شود. در برتو چنین اتحادی سگمان انقلاب، سر همه دشواری ها غائق می آید و راه بروری های ما رزم بزرگتری را می یابد.

سگرهای مقدم نبرد با نجاورگران از خون رفیقان ما لالگون است.

لوح افتخار آفرین شهدای سازمان در جنگ میهنی علیه تجاوز
امریکایی رژیم صدام از حماسه‌هایی که در "عطیات فتح‌المبین"
و "بیت‌القدس" آفریده شده. همچنان بنام رفیقان ما آذین
می‌یابد.

ایشان و فداکاری فدائیان خلق ایران "اکبریت"، در دفع تجاوز
امریکایی رژیم صدام نمونه درخشان میهن‌پرستی انقلابی و برهان
روشنی از حقانیت سازمان و شی‌اصولی ما در دفاع از استقلال و
جمهوری اسلامی ایران است. در میان کاروان شهیدان میهن‌انقلابی
و در کنار پیگرهای به خون خفته مسلمانان انقلابی پیرو خط امام
خمینی، رفقای شهید ما، رزمندگان بخون خفته فدایی و خودمای،
با بی‌غش و بی‌سودترین اسد‌های انقلابی، میهنی و مردمی نمودماند. خون
پیروان اصل سوسالیم علی و پیروان صدیق خط امام در شطی
واحد جاریست. تا شکوفه‌های اتحاد بزرگ خلق به میوه نشیند و
نهاد انقلاب بارور و بارورتر گردد.

رفیق شهید شهریار علی‌پور، متولد روستای دولت‌آباد باسوج
در ۸ فروردین/۱۳۶۱، در عطیات "فتح‌المبین"، در جبهه‌های
سوسنگرد و گرخته‌نور، هنگامیکه سوار بر تانک بر قلب متجاوزین
صدامی در حال بوزش بود، مورد اصابت ترکش خمپاره فرار گرفت
و به شهادت رسید.

پیگر بخون خفته او را، همراه پیگرهای پاک هم‌سنگرانش، با سدار
شهید سهراب حعفری و سیمینی شهید رحمت‌الله باقرپور به
زادگاهشان باسوج آوردند.

رفیق شهید کاسیز سیر، در سوم فروردین ماه ۱۳۶۱، در جبهه
رقابیه بر اثر ترکش خمپاره به شهادت رسید.

پیگر پاک او، در خروش "مرگ بر امریکا"، توسط مردم فیروزکوه
تا روستای زادگاهش "کئالان" تشیع شد. او در آخرین روزهای
زندگی روشن و شرفار از فداکاری در راه انقلاب و آماج‌های مردم
محرور، به رزمنده هم‌سنگرش چنین وصیت کرده بود:

"آرزو دارم که بعد از شهادتم، عکس سربازیم را زیر عکس
امام خمینی سرگوجه‌مان بگذارید و بنویسید، من یک فدائیم و
برای دفاع از خلق و انقلابم شهید شدم"
رفیق شهید فریدون بهرامی

رفیق شهید پناهی
دور رزمنده شهید دیگر از تار فدائیان خلقی ایران "اکبریت"،
که در عطیات پیروزی آفرین "بیت‌القدس" قهرمانانه در راه
پاسداری از انقلاب و دفع تجاوز امریکایی رژیم صدام، به شهادت
رسیدند. پیام آنان نیز، آنچنانکه در وصیت‌نامه رفیق شهید
عبدالباقی خضری آمده است چنین بود:

"میدانم با مرگ من غم عمیق و فراموش نشدنی شما را در
رومی‌گردد، ولی چاره چیست؟ باید با مزدوران به‌نبرد برخاست
و از میهن انقلابی و جمهوری اسلامی که خونبهای شهادت دفاع
گردد.

عبدالباقی در جای دیگری از وصیت‌نامه خود می‌نویسد:
"گرچه زندگی برایم زیباتر است. بهار زیباتر از باستان، تابستان
زیباتر از پاییز و پاییز زیباتر از زمستان، ولی با وجود همه این
زیبایی‌ها، حاضریم بخاطر استقلال، آزادی و مسابیت ارضی میهن
انقلابی و بخاطر دفاع از جمهوری اسلامی از تمامی آنها چشم
پوشیم.

در پایان یادآوری می‌کنم اکنون که ۶ ماه است در خط‌اول
جبهه می‌باشم در همین لحظات حساس بیش از هر موقع خود را
هوادار سازمان فدائیان خلق ایران "اکبریت" می‌دانم و به چنین
رهبری افتخار می‌کنم. در ضمن از ۱۳۸۰۰ یومانی که از من
بمانده، ۲۰۰۰ تومان آن منطبق به رفیق شهید منصور شمس
است که پیش هم‌سنگرانش بوده، بقیه را برای سازمانم بفرستید.

در برابر این نمونه‌های درخشان میهن‌دوستی انقلابی و فداکاری
در راه پاسداری از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که الهام‌بخش

فوقی ارتش صدام از مقاومت شورانگیز مردم و رزمندگان ما، در
ویرانی‌های ددمنانه پادگان حمید و شهر هویزه مشهود است. رژیم
صدام به تلاشی قهرمانی‌های مردم و رزمندگان ما نظیراً همه مراکز
اقتصادی و نظامی را که در اشغال داشت و شهر هویزه را با خاک
یکسان کرده است. این تخریب جنایتکارانه که بند رسوایی رژیم
صدام و افتخارکننده ماهیت ضد مردمی آنست، در عین حال نشان
دهنده اراده استوار و قهرمانی‌های مردم ما در دفاع عادلانه از
میهن انقلابی و دفع تجاوز است.

بدون تردید قهرمانی‌های مردمی که به آزاد ساختن شهر هویزه
انجامیده است، قادر است به نیروی اتحاد همه نیروهای میهن
دوست و مدافع انقلاب، خراسی‌ها را آبادان سازد. اراده خلیل‌ناپذیری
که تجاوز آمریکایی صدام را درهم شکست می‌تواند از خونین شهرها،
خرم شهرها برپا سازد.

کمیته مرکزی سازمان ما، بناست پیروزی‌های عظیمات بیت‌المقدس
اطلاعه‌های در تاریخ یکشنبه ۱۹ / اردیبهشت ۶۱ انتشار داد در
این اطلاعیه آمده است:

"جبهه‌های دفاع عادلانه ما در برابر تجاوزگران که آوردگاه رزم
مشرك همه رزمندگان و مدافعان انقلاب، قطع نظر از تفاوت‌های
ملکی علیه تجاوز آمریکایی صدام است. اکنون پیام آور شکست
نهایی تجاوزگران سرگردگی آمریکایی جنایتکار است.
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکبریت"، این پیروزی
بزرگ را به رهبر انقلاب امام خمینی و به همه رزمندگان جان
برگرفته جبهه‌های جنگ محلی - این دلاوران جنایت‌فرستن
ارتش سباهی و بی‌مع مردمی - و به میلیون‌ها مردم محروم و
زخمکش میهن که با فداکاری‌های عظیم، همه بار سنگین این
جنگ را بردوش می‌کنند صمیمانه شادباش می‌گوید.

انتقام جویی کور، آخرین حربه تروریسم امریکایی باند رجوی

رهبری خائن "مجاهدین" در نتیجه شکستهای پی در پی، در هفته‌های اخیر اقدامات مایوسانه و جنایتکارانه جدیدی را در پیش گرفت و با قربانی کردن تعدادی از مردم کوچه و خیابان و محصلین دوره راهنمایی، پاسداران و کارکنان صندوق قرض‌الحسنه و ... در صدد حفظ حضور ضدانقلابی خویش در جامعه ایران برآمد. شکست فزاینده مبارزاتی ضدانقلابی رهبری مجاهدین و افشاء همه جانبه ماهیت باند رجوی سرانجام رهبری این دارودسترا به آنجا کشید که شیوه انتقام جویی کور را در پیش گیرند و برای ارضاء لجاجت کین‌توزانه ضدانقلابی خود جوانان رنگم کرده را به میدان بکشند تا کودکان و نوجوانان دبیرستانی و پسر و جوان مدافع انقلاب را به گلوله‌بارندند. بیگمان قربانی کردن مردم بی دفاع انقلابی تنها و تنها نفرت هر چه بیشتر توده مردم را متوجه رهبری خیانت پیشه و جنایتکار مجاهدین می‌کند. ترورهای اخیر بی‌انگیزه و بی‌مبهره‌ای باند رجوی با سیاست‌های پامپ‌ساز و ددمنشانه امپریالیزم است و نشان می‌دهد که این باند "پرویزندانه" هرگونه وجه تمایزی را بس خود و سلطنت‌طلبان و دیگر مزدوران امپریالیسم امریکا از میان برداشته است.

بدون تردید در ترورهای اخیر، دستجات مسلح سلطنت‌طلب و ساواکی و سپاهی نیز دست دارند. آنچه که اهمیت دارد اینست که این ترورها در شمار تلاش‌های مدیوچانناست که از سوی جبهه متحد ضدانقلاب سرگردگی امریکا برای بازداشتن انقلاب از روند تثبیت و تعمیق آن و جلوگیری از دست یافتن جامعه به آرامش نسبی به قانون و عدالت اجتماعی عمل می‌آید. آنچه مهم است اینست که پشت همه این جنایات دست‌خون‌آلود امریکای جنایتکار است. صحنه گردان واقعی "سپا" است.

استفاده کنوسی رجوی از حربه انتقام، نشان می‌دهد که تا چه پایه سیاست اعدام‌های بی‌رویه و روش مخالفان سیاست ارتشادی، روش مخالفان سیاسی که در سایه مشترک پازمان و حزب پیشنهاد شده بود، بسود رجوی تمام شده است. در مسائلی که از این رهگذر انقلاب با آن روبروست بدون تردید مخالفان "رافت و رحمت" اتمام بحسنی "سپم و شریکند.

هر آنگون نیز یکی از هدفهایی که رجوی خائن در گسترش ترورهای جنایتکارانه تطبیق می‌کند، تطبیق مخالفان مخالف اتحاد یک سیاست روشن و منجمده ارتشادی و اصولاً "تطبیق نیروهای طرفدار حکومت و مخالف قانون اساسی و بویژه حقوق و آزادیهای سیاسی مصرحه در آنست. تروریسم، گوشش می‌کند از طریق ایجاد بی‌ثباتی، ناامنی آشوب، به جو رعب و ترس در جامعه دامن زند. زمین‌های فعالیت آزاد سیاسی را محدود و محدودتر کند و به این وسیله تودمها را از انقلاب رویگردان سازد.

برای بیخاک سپردن تروریسم امریکایی رجوی و شرکای سلطنت‌طلب آن بدون تردید قاطعیت انقلابی ضرورت دارد. و این البته بحسنی آنست که قاطع‌تر از هر زمانه "بند از قانون" و "عمل به قانون" دفاع کرد.

قانون شکنی همچنان منجر نیرومند ضد انقلاب است.

آیت الله ربانی امینی دادستان کل کشور در نماز جمعه تهران ۲۲ اردیبهشت - تأکید کرد:

"در جمهوری اسلامی ایران اطاعت از قانون مثل اطاعت نماز و روزه واجب است."

دادستان کل کشور در نماز جمعه تهران بطور مشروحی بهرامین اهمیت و ضرورت رعایت قانون سخن گفت و بر این امر مهم تکراراً تأکید نمود.

آقای حائضی رئیس جمهور نیز در پیام روز جمهوری اعلام کرده بود:

"اطاعت محض از قانون دستور روز انقلاب است."

این تأکیدات نشان می دهد که گرایش نیرومندی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که به استقرار حکومت قانون همچنان بی اعتناست و در عمل، همچون کسانی که سب می گذارند و جنایتکارانه دست به تهور و تخریب می زنند، در راه دست باسی جامعه به آراش شکنی به قانون و عدالت اجتماعی اخلال می کند و با تلاشهایی که در این زمینه بعمل می آید مقابله می نماید.

زمانی که امام سال ۶۰ را سال قانون اعلام کردند، مبارزه بین این دو خط، خط رعایت قانون و پایبندی به حقوق و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی و خط انحصار طلبانهای که تنها خود را "قانونی" می شناسد و هیچگونه تعهدی در زمینه پایبندی به حقوق و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی را نمی پذیرد وارد مرحله تاریخی شد.

این حقیقت که هنوز "اطاعت محض از قانون، دستور روز انقلاب است" خود نشان دهنده ناگامی است که بهرمان اصل خط امام، در مقابله با "قانون شکنان" و "انحصار طلبان" داشتند. بی اعتنائی در عمل به "اطلاعیه ده مادهای دادستانی" نمونه دیگر است. محدودیت های دم افرونی که در راه فعالیت های قانونی سازمان ما و حزب توده ایران پدید آمده است، بازداشت و حبس لضعاء و هواداران ما، نمونه هایی از اقدام های غیر قانونی که تعدادی از بهترین رفقای ما قربانیان آن بودند، تعطیل ارگان ما و پاره ای از نشریات مدافع انقلاب، نمونه های آشکار و انکارناپذیر نقض قانون و نقض آزادی های سیاسی و مردمی مصرحه در قانون

اساسی است. چنین اقداماتی نفی آشکار رهنمودهای امام خمینی و مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی ایران است.

جریان زندگی، مسئولان جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش به اهمیت استقرار بدون عودت حکومت قانون و رعایت آزادیهای سیاسی و مردمی بصرحه در قانون اساسی متوجه می سازد.

ما امیدواریم که برپایه اصل ۱۶ قانون اساسی و در چهارچوب قانون احزاب، محوب مجلس شورای اسلامی، هرچه زودتر موافقتی که بر سر راه فعالیت قانونی سازمان ما بوجود آمده است برطرف گردد. بی مناسبت نیست سخنانی را که امام در پاسخ مجاهدین در ۲۱ اردیبهشت ماه ۶۵، درست در چنین روزهایی در زمینه آزادی فعالیت سیاسی دگراندیشان مدافع انقلاب مورد تاکید قرار دادند.

خاطرنشان کنیم باشد که پایداری مسئولان جمهوری اسلامی ایران به این رهنمودهای آرادمشاه امام خمینی، آنان را در مبارزه جدی تر با خطر بزرگی که از رهگذر بی اعتنایی به قانون و آزادیهای سیاسی و برای بصرحه در قانون اساسی متوجه انقلاب است، توانمندتر سازد.

تأکیدات امام خمینی در زمینه آزادی فعالیت سیاسی
 پیروان اصول سوسیالیسم علمی - ۲۱ اردیبهشت ۶۵

... ما آنها را جزو مسلمین هم حساب نمی کنیم، عدالتگ چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت های سیاسی دارند هم آزادند و هم نشویه دارند بطور آزاد، پس بدانید که ما اینطور نیست که با اجسراب دیگری، با گروه های دیگری دشمنی داشته باشیم.

... ما دانی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور اسلامی جنگی ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکردند بطور آزاد دارند عمل می کنند و بطور آزاد حرف های خودشان را دارند می زنند.

گسترش ترور انقلابیون توسط باند ضدانقلابی قاسملو و کومله،
نشانه زبونی و اضمحلال آنها در کردستان است.

روز ۶۱/۱/۲۹، یکی از اعضای جوانان مهاپادسازمان ما، رفیق
کریم خیاطی بدست نیروهای ضدانقلابی که باند قاسملو در راس آن
قرار دارد، ناجوانمردانه و بطرز جنایتکارانه‌ای ترور شد.

باند خیانت‌پیشه، قاسملو و شرکای کومله‌ای آن مدت‌هاست که چهره
واقعی خود را نشان داده‌اند. از جنایت بزرگ "دوله‌تو" که با
همدستی رژیم جنایتکار صدام با کشتار ۱۸۵ زندانی زندان
"دوله‌تو" به ظهور رسید، تا اعمال سیاست ترور، غارت، باجگیری
که اکنون با وسعت و دامنه بی‌سابقه‌ای توسط باندهای جنایتکار
قاسملو و کومله بکار گرفته می‌شود، همه گویای ماهیت ضد مردمی این
باندهاست.

ترور اخیر روحانی مبارز و متنفذ مهاباد، ملا عبدالکریم شهریکندی
که مجدانه در راه تحکیم همبستگی خلق کرد و جمهوری اسلامی
می‌کوشید نمونه دیگری از جنایت باند قاسملو است.

هم‌اکنون در زندانهای متعدد باندهای ضدانقلابی کردستان، که
قاسملو سرکردگی آنانرا برعهده دارد، گروه‌هایی از انقلابیون کرد و
غیرکرد، مسلمان و طرفدار سوسیالیسم علمی، و نیز جانبداران
حزب دمکرات پیرو کنگره چهارم تحت شکنجه قراردارند. باند
قاسملو بسیاری از مخالفان سیاسی خود را، در سرتاسر کردستان
غیاباً محکوم به اعدام کرده است.

در همین اواخر عده‌ای از کارمندان شهرستان بانه که حاضر به
همکاری با ضد انقلابیون نبودند از سوی "قاسملو" هشدارباش
دریافت کرده‌اند!

باند ضدانقلابی و گروهک مائوئیستی کومله نیز همچنان دست در
کار ترور و جنایت علیه خلق کرد و انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و
مردمی میهنان است. جنایت این باند ضدانقلابی در روستای
دولاب از توابع کامیاران تنها یک نمونه است.

دستجات مسلح کومله، نزدیک به دو ماه پیش، ۱۸ تن از دهقانان
محروم دولاب رایه جرم اعتراض به سیاستهای ضد مردمی و ضدانقلابی
آن به جوخه اعدام سپرد. جنایتکاران کومله‌ای پس از کشتار مردم
بیدفاع برای زهرچشم گرفتن، دام‌های روستا را نیز معدوم کردند و
علوفه و آذوقه دام‌های روستائیان را به آتش کشیدند. باند ضد
انقلابی کومله طی اعلامیه‌هایی، تمامی نیروهای انقلابی از جمله
اعضا و هواداران سازمان و حزب و پیروان کنگره چهارم را به ترور
نهیید کرده و در مواردی علیه آنان دست به جنایت زده است.

روی آوردن بیش از پیش این باندها به سیاست ترور و احتیاق
سها نشان یاس و ربونی این باندها و دلیل اضمحلال ناگزیر آنهاست
که در برابر پیروزی نیروهای انقلابی، خود را از هر سو در خطر
نابودی و مرگ می‌بینند.

اکنون مردم محروم کردستان چهره واقعی این باندهای ضد
انقلابی را که بنام خلق کرد دست در دست امپریالیسم امریکا و
مزدوران آن علیه آنان و انقلاب مردم ایران دست به جنایت
می‌زنند شناخته است. جنون جنایتی که باند قاسملو و کومله مظهر
آنند، انعکاس انزوای روزافزون آنان در میان مردم کردستان است
و اعمال جنایتکارانه‌ای مانند ترور رفیق کریم خیاطی جز رسوایی
بیشتر هیچ نتیجه دیگری برای جنایتکاران به بار نمی‌آورد. این
جسایات همچنین نمی‌تواند کوچکترین خللی در اراده استوار رفقای
ما، در مبارزه با این باندهای ضدانقلابی و در دفاع از انقلاب و
جمهوری اسلامی ایران پدید آورد.

هرچند که ضد انقلاب کردستان، دامنه تعرض و ترور را علیه
اکثریتی‌ها و توده‌های‌ها و دموکراتهای پیرو کنگره چهارم، ایس
پیگرتین مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران توسعه می‌بخشد،
رفقای ما و همراهان صدیق آنان قاطع‌تر، پرشورتر و مصعمانه‌تر به
افشای چهره ضدانقلابی قاسملو و رهبران کومله و مبارزه بی‌امان‌تر با
جبهه متحد ضدانقلاب بسرکردگی امریکای جنایتکار برمی‌خیزند.

تیرهایی که ضدانقلاب برسینه‌های پاک نشانه می‌رود راهنمای
قاطعی برای شناخت دوستان واقعی انقلاب در کردستان است. بعلت
صداقت به انقلاب است که ضدانقلاب افراد مبارزی چون رحمان
گرمی‌ها استاد شهریکندی‌ها و کریم خیاطی‌ها را ترور می‌کند.
مسئولان روشن بین حاکمیت انقلابی در کردستان نباید به حکم منطق
اطمینان حاصل کنند که سینه‌ای که ضدانقلاب به آن نشانه می‌رود،
سینه‌ایست که در آن یک قلب پرشور انقلابی می‌تپد، نباید دست
همکاری صاحبان این قلبهای پاک را فشرود. انقلاب فقط با همکاری
نیروهای صدیق انقلابی محلی است که می‌تواند مجرای درست و
انسانی خود را بیابد و واقعا "در کردستان پیروز و مستقر گردد".

ملی شدن بازرگانی خارجی ، آغازی برای اجرای اصل ۴۲ قانون اساسی

سرانجام مجلس شورای اسلامی ، در چهارمین سال انقلاب ، روز شنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۶۱ با اکثریت قاطع لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی را به تصویب رساند . تصویب این لایحه علیرغم ایهامات آن ، گام بلندی است که جمهوری در راه اجرای اصل ۴۲ قانون اساسی و محدود ساختن فارتگریهای گلان سرمایه‌داران ، به سود مردم محروم به پیش برمی‌دارد .

تجارت خارجی ، همواره مجرای عمده وابستگی به انحصارهای امپریالیستی و سلطه فارتگرانه آنان بر اقتصاد میهنان بوده است . تاریخ رشد سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم بیان کننده نفسی است که تجارت خارجی در نابودی اقتصاد ملی ، فارت منابع طبیعی کشور و فقر و خانم‌هراسی توده‌های دهم‌میلیونی زحمتکشان میهنان داشته است .

ارزیابی دقیق قانون ملی شدن بازرگانی خارجی و نقد همه مآدها و تصره‌های آن در این مختصر نمی‌گنجد . ما در فرصتی دیگر این نقد و بررسی را انجام خواهیم داد ، آنچه در اینجا می‌آید نگرش

گلی بر این اقدام بسیار مهم مجلس شورای اسلامی است :
اولاً ، مهم ترین نکته ای که پس از تصویب این قانون باید مورد توجه دقیق قرار گیرد ، اجرای بدون خدشه آنست . بهترین قانون زمانی که قرار باشد توسط طرفداران سرمایه داری و مدافعان فارتگری "تجار محترم" به اجرا درآید ، در محصل نتایجی جز تداوم فارتگری تجار معدومایسته به امپریالیسم نخواهد داشت .
مطابق قانون ملی شدن بازرگانی خارجی ، وزارت بازرگانی مجری تقریباً تام الاحترار این قانون است . وزیر بازرگانی و در شرایط فعلی آقای سگراولادی سلطان ، مسئولیت اجرای این قانون را بر عهده دارد .

در تمام مدت بحث از یکسانی که تصویب نهایی این قانون در مجلس بطول انجامید ، آنچنانکه در مباحث مربوط به تصویب نهایی نیز مشهود بود خط طرفداری از فارتگری سرمایه داری ، که خیلی هم خود را مقدس حاب و پاسدار "شرع مقدس" می شناسد ، بسیار گوشید تا مانع تصویب این قانون شود . اکنون که نیروهای طرفدار "سرمایه داری" نتوانستند مانع تصویب این قانون شوند ، بدون تردید با تمام توان به میدان خواهند آمد و همه نیروی خود را بکار خواهند گرفت که مانع اجرای آن شوند و یا در عمل تا آنجا که می توانند آنرا مسخ کنند . باید دید که وزارت بازرگانی تا چه پایه از این نبرد سر بلند بیرون می آید ؟

ثانیاً ، قانون مصوب ، در زمینه چگونگی ارتباط تجارت خارجی با توزیع داخلی با ایهامات فراوانی روبرو است . هم در مجلس و هم در بیرون از مجلس دو خط در این زمینه در جدال بودمانند خطی که معتقد بود دولت باید کالاها را که از خارج می خورد ، از همان ابتدا در اختیار "تجار محترم" قرار دهد و در حقیقت کارگزار بخش خصوصی باشد و خط دیگری که بدرستی بر کنترل و نظارت دولت در توزیع داخلی انگشت می گذاشت و از این اعتقاد درسی دفاع می کرد که توزیع عمده داخلی باید در کنترل دولت باشد . از نظر ما نیز اصولی آنست که با ایجاد شکافی از توزیع دولتی و تعاونی بخش خصوصی توزیع کننده کالا ، بسود اکثریت مردم و به سود بهشعوران و کسبه که می توانند در تعاونی های واقعی مشتمل شوند ، تحت نظارت و کنترل دولت قرار گیرند و توزیع براین پایه سازمان یابد .

در واقع نیز ، اگر قانون ملی شدن بازرگانی خارجی ، دولت را تنها وارد کننده کالا از خارج بشناسد که مکلف است آنرا در اختیار "تجار محترم" قرار دهد تا تجار عمده هرطور که خود صلاح می دانند به توزیع داخلی آن بپردازند ، آنوقت با اطمینان می توان گفت که نعمتی دردی از دردهای بهشتار مردم محروم درمان نشده است . نه تنها ارزقانی از عدالت اجناسی نصیب مردم نشده است بلکه دولت به خرج بیت المال ، عملاً کارگزار و خدشکار سرمایه دارهای زالومست شده است .

ثالثاً ، قانون بدون توجه به ماهیت رژیم ها ، روابط بازرگانی با کشورهای "سلطان" را مورد تاکید قرار داده است ! در اینجا نیز افتشاشی در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب تاثیر زیانبار خود را بر جا گذاشته است ! اندیشه نادرست نزدیکی با رژیم های امریکایی "ترک" و "پاکستان" سلطان ، بمثابة راه حل دستشایی به اقتصاد مستقل و خودگنا ، در این قانون هم راه خود را بار کرده است .
با بارها گفتاریم که شرط دستشایی به اقتصاد مستقل و خودگنا ، با یکداری صنایع سنگین و مدرنیزه کردن اقتصاد کشاورزی است . برای برآوردن این نیازها باید بطور برابر حقوق با کشورهای وارد حاطه تویم که با ما در حبه واحدی علیه امپریالیسم قرار داشته و می توانند با همکاری نیازهای ما برای دستشایی اقتصادی مستقل و نیرومند باشند . تجربه همه انقلاب های ضد امپریالیستی و مردمی دوران ما اثبات می کنند که تنها کشورهای پیشرفته سوسیالیستی قادرند در حین استقلال و آزادی مانهازهای صنعتی ما را برای پی ریزی یک اقتصاد پیشرفته و خودگنا برآورده سازند و تنها همکاری فشرده با مجموع کشورهای ضد امپریالیست می باید اساسی سیاست اقتصادی ما را تشکیل دهد . تقسیم کشورهای جهان به "سلطان" و غیرسلطان یک تقسیم بندی غیر واقعی است که بر سیاست عمومی جمهوری اسلامی ایران ، از جمله سیاستهای اقتصادی آن نیرگسی می افکند . چگونه می توان گفت رابطه اقتصادی با دولت عربستان سعودی و اردن هاشمی و پاکستان و ترکیه (که خود را اسلامی می دانند) بر رابطه اقتصادی با آلمان دموکراتیک ، کوبای انقلابی و ویتنام ارجح است ؟

نادیده گرفتن این حقایق همانگونه که نجارب سایر انقلابات نشان می دهد تنها راه را برای سلطه مجدد انحصارات امپریالیستی باز می کند !
و اینها ، قانون برای در اختیار گرفتن تمام بازرگانی خارجی ، ۴

سال به دولت مهلت داده است. بنظر ما مهلت تعیین شده واقع
بهینانه نیست. در طول چهار سال سرمایه‌داران فارتگر، قانوناً وقت
دارند که هرکاری که دلشان می‌خواهد با اقتصاد کشور بکنند. به
نظر ما در شرایط فقدان تمهیدات لازم از سوی دولت، ضربات و
زبان‌هایی که سرمایه‌داران واردکننده کالا در این مدت طولانی که
برای انقلاب سرنوشت‌ساز است متوجه انقلاب و کشور خواهند کرد
(وهم‌اکنون دارند می‌کنند) صدها بار پیش از زبان احتلال‌ها نیست
که احتمالاً ممکن است بر اثر شتاب روند دولتی کردن در کارها پیش
بیاید.

بهر حال پیگار اصلی، برای ملی کردن بازرگانی خارجی در صحنه
عمل است که با حدت به پیش می‌رود. وظیفه انقلابی ماست که در
این پیگار فعالانه شرکت کنیم. در اجرای درست قانون تلاش کنیم،
مابح مسخ قانون شویم و راه را بر فارتگری کلان سرمایه‌داران
ببندیم.

بدنیال مسیح سرکوب، کشتار و بازداشت مردم فلسطین در
 زمینهای اغتالی توسط رژیم صهیونیستی که در حقیقت
 برای بی دانه بار دیگر صهیونیستها خود را برای حمله گسترده به
 جنوب لبنان آماده می سازند. بسیاری از دوگانه های فلسطینی در
 تاریخ ۲۱ اردیبهشت که طی آن حداقل ۱۸ نفر جان خود را از
 دست دادند آزارگر دور جدیدی از تدارک نبود منظور وارد آوردن
 ضربات جدی و خطرناک بر بستر سازمان آزادیبخش فلسطین
 است. طی هفته گذشته رژیم صهیونیستی به تدریج جدی قوا در
 امتداد مرز لبنان دست زد و تعداد پروازهای شناسایی خود را بر
 فراز خاک لبنان به شکل نگران کننده ای افزایش داد. سازمان
 آزادیبخش فلسطین که رهبر انقلاب فلسطین و تنها نماینده خلق
 فلسطین است، آماج مقدم تعرض جدید رژیم صهیونیسم اسرائیل
 است. از زمان پیدایش سازمان آزادیبخش و بخصوص از زمانیکه
 این سازمان بعنوان تنها نماینده واقعی مردم فلسطین در صحنه
 سیاسی منطقه و جهان عرفی اندام گرد همواره مورد عقم و نفرت
 صهیون رژیم صهیونیستی بوده است. اسرائیل بارها کوشیده است
 تا این مانع اساسی طرحهای تجاوزگاران خود را از سر راه بردارد
 اما همواره سازمان آزادیبخش فلسطین قدرتمندتر از زیر ضربات
 دشمن سربرداشته است. اکنون سازمان آزادیبخش فلسطین در
 موقعیتی نیست که بتوان با ادکی آنرا نابود ساخت. این سازمان
 با تجربه طولانی که به قیمت جان هزاران نفر از فرزندان خلق خود
 بدست آورده است در قلب تمام مردم فلسطین جای دارد.
 علاوه بر این اکنون این سازمان دارای موقعیت بین المللی مهمی
 است و از طرف اغلب کشورهای جهان بعنوان تنها نماینده مردم
 فلسطین به رسمیت شناخته شده است. جنبش فلسطین از پشتیبانی
 دوستان قدرتمندی در اردوگاه سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر
 شوروی و همچنین کشورهای مترقی و جنبشهای آزادیبخش برخوردار
 است. با اینهمه باید توطئه رژیم صهیونیستی برای امحاء جنبش
 فلسطین را جدی تلقی کرد. طرح حمله به جنوب لبنان اکنون
 مراحل تدارکاتی را پشت سر گذاشته و می رود که جنبه عملی به خود

بگیرد. در این شرایط وظیفه همه نیروهای مترقی و صلح‌دوست،
همه نیروهای مدافع حلقهها و همه نیروهای ضد امپریالیست و ضد
صهیونیست است که با تمام نیرو به کمک جنبش فلسطین برخیزند.
این هدف تنها از طریق حمایت همه جانبه مادی و معنوی از مبارزان
آزادبخت فلسطین که در عمل، همه مبارزات مردم فلسطین را
پشتیبانی می‌کند تحقق خواهد یافت. "